

تعاملات زرارة بن اعين با صادق عليه السلام؛

ارزیابی دیدگاه عبدالعزیز ساشادینا

امیرحسین خورش

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران.

khorvashamirhasan@gmail.com

حسن رضایی هفتادر

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

Hrezaii@ut.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
زرارة بن اعین (۱۵۰ق) از برترین فقیهان اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود. او جایگاهی بسیار مهم در امامیه داشت و صدر طبقه اول اصحاب اجماع دانسته می شد. باین حال، گزارش های متعددی در باب نزاع های زراره با امام صادق علیه السلام در آثاری چون رجال کشی نقل شده است. عبدالعزیز ساشادینا در مقاله اش درباره رجال کشی، بر آن است که زراره مرجعیت و اقتداری یافته بود که به محدود شدن اقتدار امام صادق علیه السلام می انجامید و به همین دلیل آن حضرت با او مقابله کرد. در مقابل به نظر می رسد که باور زراره به امامت امام صادق علیه السلام همانند باورش به امامت امام باقر علیه السلام بوده و هر دو را مرجع دینی خویش می دانسته است. باین حال، او هم در برابر امام باقر علیه السلام و هم در برابر امام صادق علیه السلام شخصیتی پرسشگر داشته و لزوماً با مواضع کلامی ایشان همراه نمی شده است. احتمالاً به همین دلیل و نیز برای محافظت از زراره در برابر حکومت بوده که امام صادق علیه السلام از زراره بدگویی می کرده است. با این همه، زراره تا پایان عمرش به امامت امام صادق علیه السلام باورمند بوده و اصل مرجعیت دینی ایشان را زیر سؤال نمی برده است.	نوع مقاله علمی - پژوهشی صفحه (۱۱۶-۱۳۷) دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۴
زرارة بن اعین، استطاعت قبل الفعل، استطاعت مع الفعل، امام محمد باقر علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، رجال کشی.	کلیدواژه ها

مقدمه^۱

زراره^۲ بن اعین در قرن‌های چهارم و پنجم هجری به عنوان مهم‌ترین فقیه در میان اصحاب شیعی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شناخته می‌شده است (کشی، ۱۴۰۹: ۲۳۸؛ نیز بنگرید به: ابن ندیم، ۱۴۳۵: ۷۱/۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۵). باین حال، در نسل‌های قبل تأملاتی درباره جایگاه زراره وجود داشته^۳ تا جایی که ابو عمرو کشی بزرگ‌ترین مدخل کتابش را با بیش از ۶۰ گزارش که بسیاری از آن‌ها متناقض است، به زراره بن اعین اختصاص داده است (کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۳-۱۶۰).

نزاع‌ها درباره جایگاه زراره در دوران معاصر نیز تکرار شده است. عبدالعزیز ساشادینا^۴ در مقاله‌اش درباره رجال کشی^۵، به این نکته توجه می‌کند که فقیهانی چون محمد بن مسلم و زراره بن اعین در تشیع متقدم، مرجعیت داشتند و حتی می‌توانستند در موضعی قرار گیرند که در باب عمق دانش امام، اظهار نظر کنند (Sachedina, 1984, p. 197). او در ادامه برای نمونه‌ای از شاگردان متقدم امامان (ع)، به صورت تفصیلی به اقتدار زراره بن اعین می‌پردازد (Ibid., p. 198).

۱. با تشکر از آقایان مصطفی بارگاهی، علی عادل‌زاده و محمدجواد عابدینی که با مطالعه پیش‌نویس و ارائه نکاتشان به بهبود وضعیت مقاله کمک کردند، آقای محمدرضا نجفی که با باریک‌بینی‌های متنی و ادبی، وضعیت متنی مقاله را ارتقا دادند و آقای محمد قندهاری که با معرفی مقاله ساشادینا و پیشنهاد بررسی آن، سبب نگارش این مقاله شدند.

۲. گفته شده که نام زراره «عَبْد رَیْه» و «زراره» لقب او بوده است (کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۳؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۰۹). باین حال، می‌دانیم که اغلب افراد همواره او را با همین عنوان «زراره» می‌شناخته‌اند.

۳. از جمله در گزارش مهمی آمده هنگامی که امام رضا (ع) خواست سابقه تکفیر گروه‌های شیعی نسبت به یکدیگر را بگوید، فرمود: «اصحاب زراره، دیگران را تکفیر می‌کردند و همچنین دیگران، آنان را تکفیر می‌کردند» (کشی، ۱۴۰۹: ۴۹۸).

۴. عبدالعزیز عبدالحسین ساشادینا، دارنده سابق کرسی استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جورج میسون ویرجینیا در ۱۲ آذر ۱۴۰۴ ش/ ۲۱ دسامبر ۲۰۲۵ م درگذشت. نسخه اولیه این مقاله کمتر از یک هفته پیش از درگذشت ایشان تکمیل شد.

5. "The Significance of Kashshi's Rijāl in Understanding the Early Role of the Shī'ite Fuqahā".

ساشادینا به این توجه می‌دهد که با وجود روایات منقول از امام صادق علیه السلام در رجال کشی، که در آن‌ها زرارہ ستایش شده، روایاتی نیز در همین کتاب آمده که زرارہ با امام صادق علیه السلام مخالفت کرده، احادیثی مخالف ایشان را از امام باقر علیه السلام روایت می‌کرد. با این حال، زرارہ نزد امامیه کاملاً قابل اعتماد بود و از اصحاب اجماع دانسته شده، نظریات او معتبر تلقی می‌شد (Ibid.).

درگیری مرجعیت زرارہ با مرجعیت امام صادق علیه السلام در نگاه ساشادینا محوری است. در نظر او، امام صادق علیه السلام برخی از مطالب زرارہ را به نقل از امام باقر علیه السلام این گونه رد می‌کرد که این از دین پدرش و دین خودش نیست. متقابلاً زرارہ هم برای مرجعیت امام صادق علیه السلام مشکل ایجاد می‌کرد. او در تکذیب امام صادق علیه السلام نسبت به روایت حکم بن عتیبه ابراز تردید می‌کرد (Ibid., p. 200).

مسئله کلامی «استطاعت» زاویه دیگری از بحث است که ساشادینا به آن می‌پردازد. ساشادینا گزارشی را از رجال کشی می‌آورد که در آن، زیاد بن ابی الحلال، حدیث زرارہ را درباره استطاعت برای امام صادق علیه السلام نقل می‌کند. ایشان آن حدیث را رد کرده، زرارہ را لعن می‌کند. در مقابل، هنگامی که زیاد، گزارش رد شدن گفته زرارہ توسط امام صادق علیه السلام را به زرارہ می‌دهد، زرارہ می‌گوید که ایشان، بصیرتی نسبت به کلام ندارد. ساشادینا مثال‌های دیگری هم از درگیری میان امام صادق علیه السلام و زرارہ آورده است (Ibid., p. 201).

در این میان، این مسئله مطرح است که با در نظر گرفتن مجموع گزارش‌های مربوط به زرارہ در رجال کشی و دیگر منابع متقدم امامی، روی هم رفته تعامل زرارہ با امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام چگونه بوده و تا چه اندازه در راستای مرجعیت ایشان و تا چه اندازه در مقابل ایشان قرار گرفته است. برای بررسی این منظور، در پژوهش حاضر، با مراجعه به مجموع گزارش‌های مربوط به زرارہ^۱، تلاش می‌شود که تعاملات زرارہ با امام باقر علیه السلام با

۱. در پژوهش حاضر، با وجود توجه ویژه به رجال کشی، برای از دست ندادن دیگر شواهد مهم، به مجموعه روایات زرارہ در منابع شیعه توجه شده است، بدین صورت که تمام احادیث زرارہ و احادیث مربوط به زرارہ در منابع متقدم امامیه (به ویژه تفسیر عیاشی، کافی و تهذیب) و اسماعیلیه (به طور خاص: الإيضاح

تعاملات او با امام صادق علیه السلام مقایسه شود و نزاع‌های کلامی مربوط به استطاعت و روایات مذمت و مدح زراره مورد مطالعه قرار گیرد.

۱. تعاملات زراره با امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام (۵۷-۱۱۴ق) مهم‌ترین مرجع روایات زراره بن اعین بوده است؛ برای نمونه، بخش باقی‌مانده از کتاب المحاسن تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی (۲۷۴/۲۸۰ق) شامل ۱۱۷ روایت منقول از زراره است. این روایات به ترتیب از این مراجع است: امام باقر علیه السلام (۹۳ مورد)، امام صادق علیه السلام (۲۰ مورد)، مردّد میان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام (۲ مورد)، و با واسطه از امام باقر علیه السلام (۲ مورد).^۱ بر این اساس تقریباً ۸۲٪ روایات زراره از امام باقر علیه السلام است و ۱۸٪ از امام صادق علیه السلام.

این آمار تقریباً در کتب متأخرتر نیز همین‌گونه است. با کنار گذاشتن روایات مضمر و مردّد زراره، روایات صریح او از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام چنین است (بر اساس محاسبه نرم‌افزار درایة النور)^۲:

→ قاضی نعمان) مرور شده و نکات مؤثرتر در فهم کیفیت تعامل او با صادقین علیه السلام گزیده شده است.

۱. روایات امام باقر علیه السلام: برقی، ۱۳۷۱: ۵۱/۱، ۷۹ (دو مورد)، ۸۴ (دو مورد)، ۸۵، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۴۹، ۱۶۱، ۱۷۱، ۲۰۰، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۴۱، ۲۷۷ (دو مورد) و ۲۸۲: ۳۱۹/۲، ۳۸۰، ۳۸۸، ۳۹۶، ۳۹۷ (دو مورد)، ۴۱۶، ۴۱۹، ۴۶۲ (سه مورد)، ۴۷۰ (دو مورد)، ۵۶۳ و ۶۳۰. روایات امام صادق علیه السلام: برقی، ۱۳۷۱: ۱۵۸/۱، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۳۳، ۲۴۱ (دو مورد)، ۲۴۸، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۴ و ۲۸۶: ۳۲۶/۲، ۴۱۶، ۴۶۵، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۸۴، ۵۹۳، ۶۱۹ و ۶۲۵. روایات مردّد بین امام باقر و امام صادق علیه السلام: برقی، ۱۳۷۱: ۳۱۶/۲ و ۴۹۳. دو روایت از عبدالملک بن اعین و حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام: برقی، ۱۳۷۱: ۱۰۷/۱ و ۲۴۳.

۲. این آمار بر اساس درایة النور، نسخه ۱.۲ است. در این نسخه عطف‌های اسناد به صورت مکرّر حساب می‌شود. از این روی، معمولاً حدود ۱۰ تا ۲۰٪ بر آمار واقعی افزوده می‌شود. البته در برابند کلی می‌توان معمولاً بر حدود درصدهای آن اعتماد کرد؛ مثلاً در این نرم‌افزار مجموع اسناد زراره در کافی حدود ۹۰۰ سند شده، در حالی که مجموع اسناد زراره در کافی ظاهراً در حدود ۷۵۰ سند است؛ از این روی، حدود ۲۰٪ بر آمار واقعی افزوده است. البته این مشکل در نسخه ۲ و ۳ درایة النور چند برابر رخ می‌دهد؛ چه در آن دو افزون بر عطف اسناد، (درخصوص تهذیب و استبصار) آمار مشیخه با عطف‌های متعددش

کتاب	زواره از امام باقر علیه السلام	زواره از امام صادق علیه السلام
کافی کلینی	۵۸۴ سند	۷۳٪
فقیه صدوق	۱۶۷ سند	۷۶٪
تهذیب طوسی	۶۲۶ سند	۷۱٪
مجموع	۱۳۷۷ سند	۷۳٪
	۲۱۱ سند	۲۷٪
	۵۲ سند	۲۴٪
	۲۵۲ سند	۲۹٪
	۵۱۵ سند	۲۷٪

جدول یک: آمار احادیث زواره از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در کتب اربعه

اینکه بیشتر روایات زواره از امام باقر علیه السلام بوده، در منابع مستقل هم تأیید می‌شود. در گزارشی از ابن مدینی (۲۳۴ق) آمده که به سفیان بن عیینه (۱۹۷ق) گفته شد که زواره بن اعین کتابی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند. سفیان گفت: «او، ابوجعفر را ندیده بود، ولی به دنبال حدیث ابوجعفر بود» (عقیلی، ۱۴۰۴: ۹۶/۲). البته این گزارش حاوی نفی ملاقات زواره با امام باقر علیه السلام است که در ادامه به آن می‌پردازیم؛ اما همین مقدار که در پرسش و پاسخ، به توجه زواره به احادیث امام باقر علیه السلام اشاره شده، برای تأیید داده‌های منابع امامی، مناسب است.

در گزارش‌های موجود در منابع امامی نیز کثرت روایات زواره از امام باقر علیه السلام مورد توجه بوده است. در چند حدیث منقول از امام صادق علیه السلام آمده که اگر زواره نبود [گمان می‌کردم که] احادیث پدرم از میان می‌رفت. همچنین در نقلی آمده که امام صادق علیه السلام گفت: «کسی یاد ما و احادیث پدرم را زنده نکرد جز زواره، ابوبصیر لیث مرادی، محمد بن مسلم، و برید بن معاویه عجلی... اینان اُمَنای پدرم بر حلال خدا و حرامش بودند» (کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۳ و ۱۳۶؛ الاختصاص، ۱۴۱۳: ۶۶؛ مشابیه: کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۷ و ۱۷۰).

جایگاه امام باقر علیه السلام در منظر زواره بسیار مهم بود. زواره می‌گفت که کسی مانند امام باقر علیه السلام [در فقه] ندیده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۷/۶-۲۴۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۶/۹). او مسائل

ضرب در آمار اسناد می‌شود و گاه آمار اسناد راوی را چندین برابر آمار واقعی آن نشان می‌دهد. بنابراین از آمار آن‌ها هرگز نباید استفاده کرد. شایان ذکر است که در اینجا روایات با واسطه زواره از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و روایات مردّد زواره بین امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را در نظر نمی‌گیریم و فقط روایاتی را که صریحاً بدون واسطه ظاهری از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است، محاسبه می‌کنیم.

مختلفش در باب فقه، قرآن، و عقاید را از امام باقر (علیه السلام) می پرسید (نمونه: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۷/۱؛ ۴۱۱/۲ و ۴۱۳: ۲۶/۳). زرار دوست داشت که امام باقر (علیه السلام) مستقیماً حدیثی را نقل کند یا فتوایی بدهد، نه اینکه روایت را با واسطه یکی از صحابیان چون جابر بن عبدالله انصاری نقل کند (کشی، ۱۴۰۹: ۴۳).

البته زرار لزوماً با پاسخ امام باقر (علیه السلام) قانع نمی شد. او گاه دلیل ایشان نسبت به حکم را می پرسید (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰/۳) و گاه سؤال و جواب و بحث را ادامه می داد (نمونه: همان، ۴۰۲/۲). گاه نیز بحث تا حدی داغ می شد که صدای امام باقر (علیه السلام) و زرار بلند می شد و کسانی که پشت در خانه بودند هم می شنیدند (عیاشی، ۱۴۲۱: ۲۳۸/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۳/۲). همچنین در یک مورد وقتی امام صادق (علیه السلام) صحیفه فرائض علی (علیه السلام) را به دستور امام باقر (علیه السلام) به زرار نشان می دهند، زرار در آغاز می گوید که این صحیفه تماماً باطل است و با خود می گوید که امام باقر (علیه السلام) از کجا می داند که این خط علی (علیه السلام) است، ولی بعد از گفته خود پشیمان می شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۴/۷؛ نیز بنگرید به: همان، ۸۱/۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷۳/۹).

زرار به امامت امام باقر (علیه السلام) باور داشت. او هنگامی که سالم بن ابی حفصه (کشی، ۱۴۰۹: ۲۳۴) و حکم بن عتیبه (قاضی نعمان، ۱۴۲۸: ۵۱) به امام باقر (علیه السلام) اشکال می کردند، به خود امام باقر (علیه السلام) رجوع می کرد تا پاسخ را دریابد. زرار امام باقر (علیه السلام) را از «أهل الذکر» می دانست که باید مسائلش را از ایشان بپرسد (صفار، ۱۴۰۴: ۳۹/۱). زرار به علم الهی امام باقر (علیه السلام) باور داشت (همان، ۳۹۲؛ نیز بنگرید به: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۲/۱). همچنین از او منقول است که از امام باقر (علیه السلام) روایت می کرد که ولایت، مهم ترین پایه اسلام است و شناخت و فرمان بری از امام، مهم ترین امر در دین است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹/۲-۱۸).

بر خلاف دیدگاه سفیان بن عیینه، شواهد مختلف نشان می دهد که زرار واقعاً امام باقر (علیه السلام) را درک کرده و از او سماع داشته است:

زرار در جوانی برای نخستین بار با امام باقر (علیه السلام) در سرزمین ملاقات کرد (کشی،

۱. در یک نمونه دیگر هم می بینیم که امام صادق (علیه السلام) برای اثبات حکمی در باب لباس نمازگزار به زرار نوشته ای را به امای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) [و خط علی (علیه السلام)] به او نشان می دهند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۷/۳).

۱۴۰۹: ۱۷۸). او در همان جوانی، بارها بر امام باقر علیه السلام وارد می شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۲/۳؛ ۳۵۰/۵). زراره هم در مکه در مسجد الحرام با امام باقر علیه السلام ملاقات می کرد (همان، ۳۷۰/۳؛ ۲۳۹/۴) و با ایشان طواف را به جای می آورد (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۷۰/۵) و هم در مدینه امام باقر علیه السلام را می دید (صدوق، ۱۴۰۳: ۴۰۶) و گاه در نماز به امام باقر علیه السلام اقتدا می کرد (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۶/۲؛ نیز بنگرید به: ۲۸۷/۲). حتی مطابق با سه نقل، زراره یک بار [که به مدینه رفته بود] پانزده روز [متوالی] صبحانه را همراه با امام باقر علیه السلام [در منزل ایشان] خورد (برقی، ۱۳۷۱: ۴۶۲/۲). همچنین در چند نقل از زراره آمده که در تشییع جنازه برخی افراد با امام باقر علیه السلام شرکت می کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۱/۳؛ نیز بنگرید به: همان، ۴۵۰/۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۸۹/۱)؛ از جمله در تشییع جنازه نوۀ امام باقر علیه السلام حضور یافته و امام باقر علیه السلام در حال حرکت بر او تکیه زده بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۷/۳). در نقل های دیگران هم به حضور زراره نزد امام باقر علیه السلام (همان، ۳۷۵/۳) و ارتباط زراره با امام باقر علیه السلام (همان، ۲۹۴/۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۸۷/۵-۸۸) اشاره شده است. متقابلاً امام باقر علیه السلام نیز تعامل نزدیکی با زراره داشت و به او با دیده اعتماد می نگریست؛ از جمله امام باقر علیه السلام میراث مادّی خاص خود از پدرانش را به آسانی به زراره نشان می داد. در یک مورد امام باقر علیه السلام لباسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آخرین نماز جماعت خویش را در آن خوانده بود، به زراره نشان داد (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۸۴/۱). همچنین زراره یک بار لباسی را که علی علیه السلام در آن کشته شد و آن لباس به خون او آغشته بود، نزد امام باقر علیه السلام دید (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۵۷/۶). امام باقر علیه السلام همچنین نسبت به برخی از مسائلی که در برابر دیگران تقیه می کرد، در برابر زراره تقیه نمی کرد (همان، ۳۷۲/۳ و ۳۷۵: ۹۴/۷).

۲. تعاملات زراره با امام صادق علیه السلام

چنان که در بخش پیشین دیدیم، امام صادق علیه السلام (۸۳-۱۴۸ق) دومین مرجع دینی زرارۀ بن اعین در روایات مختلف اوست. گفتیم که در کتب متقدّم شیعه چون محاسن، کافی، فقیه، و تهذیب حدود ۱۸ تا ۲۹٪ روایات زراره شامل روایات او از امام صادق علیه السلام می شود. با وجود اینکه زراره تقریباً هم طبقۀ با امام صادق علیه السلام بود و روایات متعددی هم از امام باقر علیه السلام شنیده بود، مهم است که پس از ایشان بارها به امام صادق علیه السلام هم رجوع می کرد.

زراره سؤالات متعدّدش در باب فقه، قرآن، و عقاید را از امام صادق علیهما السلام می‌پرسید (نمونه: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸/۳؛ عیاشی، ۱۴۲۱: ۲۵۷/۱؛ ۳۷۶/۲). همچنین زرارۀ احادیثی را به امام صادق علیهما السلام عرضه می‌کرد (نمونه: عیاشی، ۱۴۲۱: ۶۶/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۱/۳) تا جایی که گاهی حتی احادیثی را که از امام باقر علیهما السلام شنیده بود نیز به امام صادق علیهما السلام عرضه می‌کرد (صفار، ۱۴۰۴: ۳۲۴/۱؛ نیز بنگرید به: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۲/۳). در نقلی نیز آمده که زرارۀ تأثیر فتاوی‌ای امام صادق علیهما السلام بر خودش را چنین بیان می‌کرده است: «به خدا که یک حرف از جعفر بن محمد از فتوایش را می‌شنوم و ایمانم به او افزون می‌شود» (کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۳). البته زرارۀ در مواردی گفت و گو درباره‌ی یک مسئله فقهی را با امام صادق علیهما السلام ادامه می‌داد و به پاسخ اول ایشان بسنده نمی‌کرد و تلاش می‌کرد که وجه حکم را دریابد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۰/۳ و ۵۳۰).

زراره به امامت امام صادق علیهما السلام هم باور داشت. از زرارۀ نقل شده که پیش از درگذشت امام باقر علیهما السلام کتب [او] به امام صادق علیهما السلام رسید (صفار، ۱۴۰۴: ۱۶۷/۱). همچنان از زرارۀ منقول است که امام صادق علیهما السلام دو کتاب داشت که در آن‌ها نام‌های انبیاء علیهم السلام و ملوک [آینده] بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۲/۱). همچنین از زرارۀ پیش‌گویی امام صادق علیهما السلام نسبت به وضعیت ایمانی یکی از شیعیان در آینده نقل شده که بعداً محقق شد (صفار، ۱۴۰۴: ۲۸۹/۱). افزون بر این، زرارۀ زمانی گمان می‌کرد که امام صادق علیهما السلام زمان قیام قائم را می‌داند (کشی، ۱۴۰۹: ۱۵۷-۱۵۸) و امام صادق علیهما السلام به خلافت می‌رسد (همان، ۱۵۶). زرارۀ احادیث ویژه‌ای از امام صادق علیهما السلام داشت (همان، ۱۳۴) و دوست داشت که تمام شیعیان اهل بیت علیهم السلام آنچه او در دل دارد [از تعالیم امامان]، در دل داشته باشند (همان، ۱۷۹).

باور زرارۀ به امامت الهی امام صادق علیهما السلام در منابع عامه هم بازتاب یافته است. سفیان بن عیینۀ (۱۹۷ق) نقل می‌کند که ابن سَمّاک می‌خواست به حج برود، زرارۀ بن اعبن به او گفت که به جعفر بن محمد علیهما السلام سلام برساند و از او پرسد که زرارۀ اهل بهشت است یا اهل دوزخ؟ ابن سَمّاک با جعفر علیهما السلام دیدار کرد و جعفر علیهما السلام گفت که زرارۀ اهل دوزخ است؛ زیرا معتقد است که او «علم غیب» دارد. هنگامی که ابن سَمّاک جواب جعفر علیهما السلام را به زرارۀ گفت، زرارۀ گفت که

جعفر علیه السلام از او تقیه کرده است (فسوی، ۱۳۹۳: ۶۷۱/۲-۶۷۲؛ سلفی، ۱۴۲۵: ۸۹۵/۳-۸۹۶).

به نظر می‌رسد زراره همان قدر که به مرجعیت امام باقر علیه السلام باور داشته، به مرجعیت امام صادق علیه السلام هم معتقد بوده است. زراره در مواردی روایتی را از هر دو امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل می‌کرد (نمونه: صفار، ۱۴۰۴: ۳۷۸/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۰/۲ و ۳۵۴: ۳۶/۳ و ۵۷: طوسی، ۱۴۰۷: ۹۲/۴). این کار بدین معنا می‌تواند باشد که او حتی در جایی که روایت امام باقر علیه السلام را در دست داشت، باز هم تأیید آن توسط امام صادق علیه السلام برایش اهمیت داشت.

زاراره در مواردی که با شخصی در مسئله‌ای فقهی اختلاف نظر پیدا می‌کرد، برای داوری به امام صادق علیه السلام رجوع می‌کرد (مسئله نماز پشت سر مخالف: طوسی، ۱۴۰۷: ۲۸/۳ [در نقلی داوری به نزد امام باقر علیه السلام: کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۵/۳]؛ مسئله واضع اوقات نماز: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۳/۳؛ اختلاف درباره نَتَف و حَلَق مو: کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۴ و ۵۰۸/۶؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۲۹۲/۱). همچنین منقول است که زراره هرگاه با هشام بن سالم در مسئله‌ای [فقهی؟] اختلاف می‌کرد، به محمد بن مسلم رجوع می‌کردند و او با اقوال امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام پاسخ می‌داد (الاختصاص، ۱۴۱۳: ۵۳).

متقابلاً امام صادق علیه السلام نیز به زراره علاقه‌مند بوده است. پیش‌تر گذشت که امام صادق علیه السلام به نقش زراره در حفظ احادیث امام باقر علیه السلام توجه داده است. همچنین گفته شده که امام صادق علیه السلام به زراره ارجاع می‌داد (کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۶ و ۲۷۶) و او را از پیش‌گامان

۱. در این نقل گفته شده که امام صادق علیه السلام فیض بن مختار را به زراره ارجاع داده است. باین حال، هیچ ارتباط حدیثی‌ای میان او و زراره و حتی اصحاب زراره و فقیهان امامیه نمی‌بینیم. همچنین در صدر روایت از مرجعیت مفضل بن عمر جعفری در اختلاف احادیث گفته شده و به نظر می‌رسد این چندان با مرجعیت زراره سازگار نباشد (چنان‌که در نقل‌های داستانی فرض می‌شده که این دو شخصیت تقابل شدیدی دارند: کشی، ۱۴۰۹: ۳۲۶). البته ارتباط فیض بن مختار با جریان مفضل معقول‌تر است؛ چه فیض همانند مفضل، از قبیله جعفری بوده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱۱) و نیز گفته می‌شده که فیض از رفقای یونس بن ظبیان است (صفار، ۱۴۰۴: ۳۳۶/۱؛ کشی، ۱۴۰۹: ۳۵۶)؛ همان شخصیتی که از مدافعان مفضل فرض می‌شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۳/۸). بر این اساس، صدر روایت - مرجعیت مفضل - با فضای فیض

[در امامت] می دانست (همان، ۱۳۶ و ۱۷۰). افزون بر این، ابوالعباس بقباق نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) زراره را یکی از محبوب ترین افراد نزد خویش می دانست (همان، ۱۳۵، ۱۸۵ و ۲۴۰). باین حال، در یک نقل از بقباق آمده که امام صادق (علیه السلام) از نظر مثبتش به امثال زراره بازگشت و آن گفته اش را مربوط به زمانی دانست که اینان «صالح» بودند (همان، ۲۳۹).

۳. مخالفت های زراره با امام صادق (علیه السلام)

ساشادینا تذکر می دهد که طبق برخی گزارش های کُشی، زراره در بعضی از مسائل با جعفر بن محمد (علیه السلام) مخالف بوده و روایات متفاوتی را از امام باقر (علیه السلام) نقل می کرده است (Sachedina, 1996, pp. 198). همچنین او می گوید که روایات زراره از امام باقر (علیه السلام) به همان اندازه روایات امام صادق (علیه السلام) معتبر تلقی می شد و امام صادق (علیه السلام) لازم می دانست که تفاوت جایگاه خودش با زراره را به زراره گوشزد کند (Ibid., pp. 198-199). در اینجا به گزارش هایی در رجال کُشی توجه می کنیم که ممکن است نمایان کننده مخالفت زراره با امام صادق (علیه السلام) در مسائل فقهی تلقی شود.

۱. نقل شده که یونس بن عمار گفت:

به ابو عبدالله (علیه السلام) گفتم: زراره از ابوجعفر (علیه السلام) روایت می کند که با وجود مادر، پدر، پسر، یا دختر [میت] هیچ کسی از مردم جز زوج و زوجه ارث نمی برد. پس ابو عبدالله (علیه السلام) گفت: اما آنچه زراره از ابوجعفر روایت کرده، پس برایم جایز نیست که آن را رد کنم، ولی [از سوی دیگر] خداوند در کتابش در سوره نساء می فرماید: «... پس اگر او برادرانی دارد، مادرش یک ششم می برد»... و کتاب [خدا]، در اینجا [برای شخصی غیر از زوج و زوجه به] همراه پدران^۱ ارث تعلق داده است^۲... (کُشی، ۱۴۰۹: ۱۳۳ و ۱۳۵).

→ سازگار و ذیلش - مرجعیت زراره - ناسازگار به نظر می رسد. خوشبختانه به تحریر دیگری از روایت فیض دسترسی داریم که می بینیم در آنجا تنها مرجعیت مفضل مطرح شده و هیچ خبری از زراره نیست (قاضی نعمان، ۱۳۸۳: ۵۰/۱-۵۱).

۱. در متن «الأبناء» آمده که احتمالاً تصحیف «الآباء» است.

۲. این استدلال به قرآن موجه نیست؛ چه در قرآن نیامده که اگر برادرانی بودند، مادر یک ششم می برد و ما

در این نقل، گویا فرض شده است که در هنگام وجود طبقه اول، خواهر و برادر هم ارث می‌برند. در مقابل می‌دانیم که در روایات گسترده‌ای از امام صادق علیه السلام، ارث بردن خواهر و برادر با وجود طبقه اول ارث به صورت ضمنی رد شده و تنها مسئله «حجب» مطرح گردیده است (نمونه: کلینی، ۱۴۰۷: ۹۲/۷-۹۳). از این رو در فرض اصالت این نقل، باید وجه صدور آن تقیه باشد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۸/۲۶؛ شوشتری، ۱۳۶۴: ۴۳۱/۱۰). درواقع، روایت زراره از امام باقر علیه السلام در حدی که در اینجا نقل شده است، تعارضی با دیدگاه امام صادق علیه السلام در ارث ندارد. شاید از همین رو بوده است که امام صادق علیه السلام در ابتدا تذکر می‌دهد که برایش جایز نیست که روایت زراره را رد کند.

ب. نقل شده که محمد بن ابی عمر به امام صادق علیه السلام گفت که زراره تا پیش از غیب شدن خورشید، نماز عصر را نمی‌خواند. امام صادق علیه السلام گفت که محمد به زراره بگوید که مطابق اوقات [نماز] دیگر شیعیان، نماز بخواند. وقتی پیام به زراره رسید، گفت که می‌داند محمد به امام صادق علیه السلام دروغ نمی‌بندد، ولی امام صادق علیه السلام شخصاً به او دستوری داده که خوش ندارد آن را رها کند (کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۳).

در اینجا می‌بینیم که درواقع زراره مخالفتی با امام صادق علیه السلام نمی‌کند، بلکه دستور شخصی امام صادق علیه السلام را بر دستور با واسطه ترجیح می‌دهد. البته احتمالاً در طرح صورت مسئله (نخواندن نماز عصر تا زمان غیب شدن خورشید) کمی مبالغه شده باشد. درواقع، روایت خاصی که امام صادق علیه السلام به زراره گفته بود، این بود که می‌شود در گرمای تابستان هر یک از نمازهای ظهر و عصر را مدت بیشتری به تأخیر انداخت (بنگرید به: کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۳-۱۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۲/۲).

→
بقی به برادران می‌رسد، بلکه تنها گفته سهم مادر کم می‌شود و یک ششم می‌برد. مطابق با روایات متعدد از امام صادق علیه السلام در اینجا «حجب» رخ می‌دهد، بدین صورت که برادران سهم مادر را کم کرده، سهم پدر را زیاد می‌کنند نه اینکه خود مستقیماً سهمی ببرند. در روایتی آمده که در فرض وجود والدین و برادر و خواهر (پدری و مادری یا تنها پدری)، مادر یک ششم و پدر پنج ششم می‌برد و دلیل زیاد شدن سهم پدر این است که عیال دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۲/۷).

ج. نقل شده از ابراهیم بن عبدالحمید از عده‌ای از اصحاب که گفتند: زرارۀ به امام صادق علیه السلام گفت: حکم بن عتیبه از پدر شما روایت کرده که فرمود: مغرب را پیش از [رسیدن به] مزدلفه بخوان! پس امام صادق علیه السلام با سه قسم^۱ گفت: پدرم هیچ‌گاه این را نگفته! حکم بر پدرم دروغ بسته است. پس زرارۀ بیرون آمد، در حالی که می‌گفت: به نظرم حکم بر پدرش دروغ نبسته است (کشی، ۱۴۰۹: ۱۵۸). این نقل ناظر است به این مسئله مشهور که حُجَّاج نماز مغرب را به تأخیر می‌اندازند تا زمانی که به مزدلفه برسند و آن را با عشاء به جمع می‌خوانند.

از برخی از صحابیان و تابعیان همین فتوای به جمع خواندن در مزدلفه نقل است (نمونه: ابن ابی شیبۀ، ۱۴۳۶: ۲۳۲/۸-۲۳۳)؛ از جمله نقل شده از امام باقر علیه السلام که [علی علیه السلام / اهل بیت علیه السلام] در مزدلفه مغرب و عشاء را به جمع می‌خواندند (همان، ۲۳۳/۸). بر جمع در مزدلفه در روایات امامیه هم تأکید شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۸۸/۵). باین حال، عده‌ای نماز مغرب را پیش از رسیدن به مزدلفه می‌خوانده‌اند (ابن ابی شیبۀ، ۱۴۳۶: ۲۲۶/۸-۲۳۰) و در چند روایت از امام صادق علیه السلام هم خواندن مغرب قبل از مزدلفه جایز دانسته شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۸۹/۵).

بر این اساس، چون اصل خواندن نماز مغرب قبل از مزدلفه در چند نقل از امام صادق علیه السلام هم آمده، ممکن است در این نقل منسوب به زرارۀ، خلطی رخ داده باشد. همچنین ممکن است نقل منسوب به زرارۀ اصیل باشد، ولی مقصود امام صادق علیه السلام از تکذیب حکم، رد کردن انتساب آن به امام باقر علیه السلام باشد نه لزوماً تکذیب شخص حکم، بدین صورت که حکم دچار وهم شده باشد یا از شخص دیگری از امام باقر علیه السلام شنیده باشد. همچنین ممکن است که امام صادق علیه السلام مقصودش تکذیب شخص حکم باشد، ولی زرارۀ که شاگرد حکم بوده (کشی، ۱۴۰۹: ۲۱۰)، این تکذیب را ناظر به مضمون خبر گرفته

۱. در متن این گزارش آمده: «أنا تأملتُه»؛ اما وقتی به نقل دیگر همین گزارش در رجال کشی رجوع می‌کنیم، درمی‌یابیم که این تعبیر تصحیف «بأیمان ثلاثة» است (کشی، ۱۴۰۹: ۲۰۹).

و با خود گفته باشد که گمان نمی‌کند که حکم به عمد دروغ بسته باشد.^۱

افزون بر این نقل‌ها، گزارشی دیگر در رجال کشی در دست است که می‌تواند شاهی بر مخالفت زراره با امام صادق علیه السلام دانسته شود: روایت شده از عبدالله بن مسکان که زراره نسبت به امام باقر علیه السلام ترخم کرد، ولی گفت که از جعفر علیه السلام ناراحت است. ابن مسکان در ادامه می‌گوید: سبب ناراحتی زراره این بود که امام صادق علیه السلام عیوب وی را بیرون کشید (همان، ۱۴۴). این مسئله ممکن است مربوط به بدگویی‌های مکرر امام صادق علیه السلام در حق زراره بوده باشد که اخبارش همواره به زراره می‌رسیده است (بنگرید به: نقل عبدالله بن زراره: همان، ۱۳۸؛ نقل حسین بن زراره: همان، ۱۴۱؛ نقل حمزة بن حرمان: همان، ۱۴۶). البته این کدورت به انکار زراره نسبت به امامت امام صادق علیه السلام نینجامیده بود؛ چه مطابق با گزارش‌های متعدد، زراره پس از وفات امام صادق علیه السلام در پی این بوده که امام بعدی از فرزندان جعفر علیه السلام را شناسایی کند (نمونه: همان، ۱۵۳-۱۵۶).

گفتنی است ساشادینا برای این نکته که امام صادق علیه السلام جایگاه زراره را به او یادآوری و اقتدار او را محدود می‌کرد، به گزارشی در رجال کشی از عبدالله بن زراره استناد می‌کند (Sachedina, 1996, p. 199). در این گزارش مفصل آمده که امام صادق علیه السلام به عبدالله پسر

۱. به طور کلی به نظر می‌رسد که واژه «کذب» در بسیاری از احادیث ناظر به نادرست بودن یک محتوا یا ادعاست و لزوماً ارتباطی با گزارش از اینکه فلان شخص به عمد دروغ گفته، ندارد (تعدادی از موارد محتمل: کلینی، ۱۴۰۷/۱: ۵۶/۴؛ ۱۵۵/۴؛ ۲۵۹ و ۵۶۳؛ ۱۱۳/۵ و ۱۲۱؛ ۴۰/۷؛ طوسی، ۱۴۰۷/۱: ۳۶۲/۱). یک نمونه جالب نقلی است که اتفاقاً از زراره باقی مانده است: وی نقل می‌کند که در مسجد الحرام با امام باقر علیه السلام همراه بود که عاصم بن عمر بجلی نزد ایشان می‌آید و سخنی از کعب الأخبار نقل می‌کند که در آن، بیت المقدس بر کعبه تفصیل داده می‌شود. زراره نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام در واکنش به عاصم فرمود: «کذبت و کذب کعب الأخبار معک» و خشمگین شد (کلینی، ۱۴۰۷/۴: ۲۴۰). این نقل جالب، مثال خوبی است که تکذیب لزوماً ناظر به دروغ بستن در انتساب و دروغ‌گویی عامدانه نیست. در اینجا اگر بحث درباره دروغ‌گویی عمدی باشد یا راوی از کعب الاخبار باید دروغ گفته باشد یا خود کعب، ولی اگر منظور این باشد که مطلب نادرستی گفته و اصطلاحاً «اشتباه کرده»، می‌شود این سخن را هم درباره کعب گفت، هم درباره کسی که سخن کعب را ترویج می‌کند. بدین سان می‌توان «کذبت و کذب کعب الأخبار معک» را به معنای «تو و کعب با هم اشتباه کردید»، دانست.

زراره گفته که به پدرش برساند که من برای دفاع از تو، به تو عیب می گیرم؛ چراکه مردم و دشمنان بر آن اند که دوستان ما را آزار دهند و به قتل برسانند. من به این سبب در تو عیب گرفته ام که تو به ما مشهور شده ای و این نزد مردم مذموم است و من خواستم که شر مردم را از تو دفع کنم (کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۸-۱۳۹).

در این گزارش، به اختلافات زرارۀ با امام صادق علیه السلام - ازجمله مسئله استطاعت که در بخش بعدی به آن می پردازیم - اشاره ای نشده است. تنها به این اشاره شده که امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام دستوراتی [فقهی] به زرارۀ داده اند که خلافتش به دیگران گفته شده و زرارۀ نیاز نیست به روایات دیگران عمل کند و باید طبق دستوراتی که به شخص او داده شده درباره نماز و حج رفتار کند (همان، ۱۳۹-۱۴۱). با ملاحظۀ فقرات مختلف این گزارش، به نظر می رسد این گزارش نمی تواند شاهی بر ادعای ساشادینا باشد.

مهم تر اینکه در گزارش گفته شده که اگر امام صادق علیه السلام بر زرارۀ خرده نمی گرفت، ممکن بود زرارۀ آسیب ببیند یا حتی کشته شود. این نکته هم بعید به نظر نمی رسد؛ چه می دانیم که زرارۀ مهم ترین راوی صادقین علیهم السلام دانسته می شد و نیز می دانیم که اقربای امام صادق علیه السلام توسط حکومت وقت به شهادت می رسیدند (برای شهادت معتب مولی جعفر به دستور منصور عباسی، بنگرید به: ابن سعد، ۱۴۲۱: ۵۴۴/۷؛ برای نمونه گزارش های شهادت معلی بن خنیس مولی جعفر به دستور داوود بن علی، بنگرید به: کشی، ۱۴۰۹: ۳۷۷-۳۸۰).

۴. چالش های کلامی زرارۀ با صادقین علیهم السلام

منقول است که زرارۀ بسیار اهل کلام و جدل بوده، متکلمان شیعه شاگردان او بودند (زراری، ۱۳۶۹: ۱۳۶). او با وجود باوری که به مرجعیت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام داشته، در برخی از مسائل با ایشان چالش هایی نیز داشته است؛ برای نمونه، در دوران جوانی زرارۀ مخالفان (غیر امامیان) را کافر می دانست و با امام باقر علیه السلام گفت وگویی در باب

۱. در برخی نقل ها (در میان نقل های مسند: یحیی حلبی > عبد الحمید طائی) این گفت وگو با امام

جواز ازدواج با آن‌ها و اسلام ایشان و امکان ورودشان به بهشت داشت (بخش‌های مختلف این گفت‌وگو: اهوازی، ۱۴۰۲: ۱۲۷؛ عیاشی، ۱۴۲۱: ۴۳۲/۱-۴۳۴؛ ۲۳۸/۲ و ۲۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۲/۲ و ۴۰۲؛ ۴۰۸؛ ۳۴۸/۵ و ۳۴۹ و ۳۵۰؛ کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۴/۷-۳۰۵). این گفت‌وگو با تحریرهای متعدد^۱ به اسناد مختلف از زراره روایت شده است:



نمودار یک^۲: اسناد گفت‌وگوی زراره در باب اسلام مخالفان

چنان‌که پیش‌تر دیدیم، در یکی از نقل‌های این گفت‌وگو آمده که زراره در پایان گفت:

صَادِق علیه السلام است، ولی در اکثریت تحریرها با امام باقر علیه السلام است. با توجه به اینکه در برخی نقل‌ها به جوانی زراره تصریح شده، باید طرف گفت‌وگو همان امام باقر علیه السلام باشد.

۱. گاهی این تحریرها چنان دور به نظر می‌رسند که ممکن است فرض شوند که مربوط به چند گفت‌وگویند؛ با این حال، میزان درون‌مایه‌ها و الفاظ مشترک میان تحریرهای مختلف، این احتمال را که همگی مربوط به یک بحث بوده باشند، راجح می‌کند.

۲. چنان‌که گذشت، عیاشی به بخش‌های متعددی از تحریرهای این گفت‌وگو دسترسی داشته، ولی به دلیل آنکه اسناد کتابش حذف شده، او را در جدول ملاحظه نکردیم.

«صدای ابوجعفر و صدای من بلند شد تا حدی که کسانی که پشت در خانه بودند، صدای ما را می شنیدند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۳/۲). همچنین در نقلی دیگر آمده که زرارۀ تا پایان بحث با نظر امام باقر (علیه السلام) همراه نشد و امام باقر (علیه السلام) فرمود که در آینده، گره های [ذهنی] زرارۀ باز می شود (همان، ۴۰۳ و ۴۰۸؛ کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۲). طبق نقلی دیگر نیز زرارۀ در میانه گفت و گو احساس کرد که امام باقر (علیه السلام) اطلاع عمیقی از دانش کلام ندارد: «پس با خود گفتم: پیرومردی است که علمی به خصومت [کلام] ندارد!»، ولی در ادامه از این نظر بازگشت (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۵/۲).

طبق گزارش های کتب فرق و مقالات، زرارۀ و اصحابش - همچون بسیاری از متقدمان امامیه - باورهای کلامی خاصی داشته اند: زرارۀ و عده ای چون فرزندش عبید بن زرارۀ و برادرزاده اش عبدالله بن بکیر معتقد به استطاعت قبل الفعل^۱ بودند (ابوالحسن اشعری، ۱۴۲۶: ۵۲/۱). همچنین اصحاب زرارۀ بر آن بودند که خدا همواره سمیع، علیم، و بصیر نبوده تا زمانی که این ها را برای خود خلق کرده است (همان، ۴۷). باور زرارۀ به استطاعت

۱. دو دیدگاه اصلی ای که درباره استطاعت در امامیه متقدم مطرح بوده، از این قرار است: ۱. دیدگاه هشام بن حکم (استطاعت مع الفعل): استطاعت ترکیبی است از صحت، تخلیه شئون، زمان داشتن، وسیله انجام دادن، و سببی وارد از جانب خدا. چهار مورد اول قبل از انجام فعل هست، ولی مورد اخیر در حال رخداد فعل ایجاد می شود و موجب رخداد فعل می شود. ۲. دیدگاه زرارۀ بن اعین و اصحابش (استطاعت قبل الفعل): استطاعت (تماماً) قبل از فعل است و صرف صحت است و هر صحیحی مستطیع است (استطاعت بنده نیازی به سبب وارد از جانب خدا ندارد) (ابوالحسن اشعری، ۱۴۲۶: ۵۲/۱). در این میان، چنان که در ادامه خواهیم دید، به نظر می رسد که دیدگاه هشام بن حکم به دیدگاه امام صادق (علیه السلام) و بعداً دیدگاه ابوالحسن الرضا (علیه السلام) نزدیک بوده و دیدگاه زرارۀ دیدگاه مخالف نظر امام صادق (علیه السلام) بوده است. این دیدگاه که بنده نه استطاعت محض (بدون نیاز به سببی از جانب خدا) دارد و نه مجبور محض است و از خود اراده ای ندارد، با روایات متعدد منقول از امام صادق (علیه السلام) در مسئله جبر و تفویض نیز سازگار است؛ از جمله به اسنادی نقل شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر که گمان کند که خدا به فحشا دستور می دهد [= جبر] بر خدا دروغ بسته و هر که گمان کند خیر و شر [بدون مشیت خدا] در دست [اختیار] اوست [= تفویض]، بر خدا دروغ بسته است» (از ابوبصیر: برقی، ۱۳۷۱: ۲۸۴/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۶/۱؛ از حفص بن قرق: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۸/۱؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۳۵۹).

قبل الفعل، در نقلی بدین شکل بروز یافته است: هرکس زاد و توشه‌ای داشته باشد، استطاعت نسبت به حج دارد، هرچند به حج نرود^۱ (کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۷).

این باور گویا مخالف دیدگاه امام صادق علیه السلام بوده است؛ چه منقول است از امام صادق علیه السلام که استطاعت قبل الفعل را به کلی نفی می‌کرده و استطاعت مع الفعل را می‌پذیرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۲/۱). همچنین منقول است که امام صادق علیه السلام استطاعت (کلامی) کسی را که حج برایش مقدر نشده، رد می‌کرد (برقی، ۱۳۷۱: ۲۹۵/۱-۲۹۶) و افراد را از اینکه به قول زرارہ در استطاعت قائل باشند، نهی می‌کرد (کشی، ۱۴۰۹: ۱۶۸). چنان‌که از نواده وی - ابوالحسن الرضا علیه السلام - روایت شده که شخص برای اینکه نسبت به فعلی مستطیع باشد، نیاز به «سبب وارد من الله» نیز دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۰/۱؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۳۴۸). همچنین از ایشان نقل شده که مذهب زرارہ در استطاعت خطا بوده است (کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۵).

در نقلی که ساشادینا به آن توجه کرده (Sachedina, 1996, pp. 200-201)، از زیاد بن ابی‌الحلال روایت شده که او نزد امام صادق علیه السلام می‌گوید که زرارہ از ایشان نقل کرده کسی که به حج نرفته نیز اگر زاد و مرکب داشته باشد، نسبت به حج مستطیع است. امام صادق علیه السلام زرارہ را لعن می‌کند و می‌گوید که زرارہ بر او دروغ بسته است. بعداً که زیاد ردیۀ امام صادق علیه السلام را برای زرارہ نقل می‌کند، زرارہ می‌گوید: «او استطاعت را بدون اینکه خودش متوجه شود، به من داد! این هم نشین شما (= امام صادق) بصیرتی (تخصصی) نسبت به کلام افراد (علم کلام) ندارد!» (کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۷).

گفته زرارہ در اینجا مشابه همان سخنی است که دیدیم پیش‌تر زرارہ با خود درباره امام باقر علیه السلام گفته بود. در اینجا زرارہ می‌گوید که امام صادق علیه السلام مستقیماً به استطاعت قبل الفعل اقرار نکرده، ولی از ملازمۀ سخنش چنین برمی‌آمده و امام صادق علیه السلام تخصصی در علم کلام ندارد. احتمالاً زرارہ مرجعیت امام در کلام را مانند مرجعیت امام در فقه، مسلم

۱. کتابی نیز به زرارہ در موضوع استطاعت و جبر منسوب بوده (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۱۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۵)؛ اما اطلاعاتی از محتوای این کتاب نداریم.

نمی دانسته است.^۱ همچنین ممکن است این گزارش، هستهٔ اصیلی داشته باشد که برخی از راویان جریان رقیب زرارۀ و در راستای طعن در او، در آن مبالغه کرده باشند.

این مضمون که امام صادق (علیه السلام) کسی را فرستاده که زرارۀ را از استطاعت منصرف کند؛ اما زرارۀ مدعی بوده که امام صادق (علیه السلام) ناخواسته، استطاعت را به او داده بوده، در نقل عبدالرحیم قصیر نیز آمده است (کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۸ و ۲۴۰؛ همین نقل به صورت تقطیع شده: کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶/۱-۵۷). این نقل احتمالاً نقلی اصیل باشد؛ چه در روایت دیگری نیز آمده که عبدالرحیم به همراه حفص اعور و عبدالرحمن بن سیابه نزد امام صادق (علیه السلام) بودند و بحث استطاعت مطرح شد. امام صادق (علیه السلام) این را رد کرد که شخصی که حج برایش مقدّر نشده، استطاعت نسبت به حج داشته باشد (برقی، ۱۳۷۱: ۲۹۵/۱-۲۹۶).

در گزارش های دیگری نیز آمده که امام صادق (علیه السلام) حاضر به بحث کلامی دربارهٔ استطاعت و مشیت نمی شد. حنان بن سدید گفت: شخصی همراه من نوشت که از امام صادق (علیه السلام) در این باره بپرسم که آیا اعتقاد یهود و نصاری و مجوس و مشرکان، از جمله چیزهایی است که خدا مشیت می کند؟ ایشان فرمود: این از سؤالات خاندان اعبن است و این باور از دین من و دین پدرانم نیست (کشی، ۱۴۰۹: ۱۵۳). نیز نقل شده هنگامی که جمیل بن دراج، شاگرد مهمّ زرارۀ (بنگرید به: همان، ۱۳۴ و ۱۵۴)، می خواست از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ مشیت بپرسد، امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای جمیل! درخصوص مشیت جوابت را نمی دهم! (صفار، ۱۴۰۴: ۲۴۰/۱). همچنین عبید پسر زرارۀ از حمزه بن حرمان - برادرزادهٔ زرارۀ - روایت می کند که از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ استطاعت پرسید، ولی ایشان به او جواب نداد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۲/۱؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۳۴۶).

در نقل مهمّ دیگری آمده که محمد بن علی حلبی به حرّیز بن عبدالله گفته که نزد امام

۱. البته تردید در اطلاع امام صادق (علیه السلام) نسبت به علم کلام (برخلاف علم قرآن و حلال و حرام) را برخی راویان دیگر؛ مانند هشام بن حکم نیز نزد امام مطرح کرده اند که البته با واکنش منفی ایشان مواجه شده است (صفار، ۱۴۰۴: ۱۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۲/۱). البته ظاهراً این تردید در مورد شخص امام صادق (علیه السلام) نیست، بلکه دربارهٔ اصل اطلاع یک امام نسبت به این علم است.

صادق علیه السلام بود و نظر ایشان را درباره استطاعت (دیدگاه زراره) پرسید. ایشان فرمود: «از دین من و دین پدرانم نیست!». حلبی به امام صادق علیه السلام گفت که از این پس به عیادت آنان (اصحاب زراره) و تشییع جنازه شان نمی رود و زکاتی به آن ها نمی دهد. امام صادق علیه السلام سخن حلبی را رد کرد و فرمود: قول زراره و افراد مانند او [در استطاعت] از دینشان نیست؛ اما خودشان قومی می باشند که به فرموده امام باقر علیه السلام بر آتش جهنم حرام اند (شیعه می باشند) (کشی، ۱۴۰۹: ۱۵۰؛ مشابه: ۱۶۰).

به نظر می رسد این نقل روایت شده از حلبی نیز اصیل باشد؛ چه مشابه آن به متن دیگری از برادر محمد - عبیدالله بن علی حلبی - نقل شده: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: من به تیمیه از زکات مالم می دادم تا آنکه شنیدم شما درباره آن ها [بد] می گویی. زکاتم را به آن ها بدهم یا نه؟ امام صادق علیه السلام فرمود: به آن ها زکات بده؛ چه خدا اهل این امر (تشیع) را بر آتش حرام کرده است (کشی، ۱۴۰۹: ۱۵۱-۱۵۲). مقصود از تیمیه، اصحاب زراره بن اعین است (ابوالحسن اشعری، ۱۴۲۶: ۴۱/۱ و ۴۷؛ زراری، ۱۳۶۹: ۱۳۴).

در نقلی از ولید بن صبیح نیز آمده است که زراره از او می خواهد برای ورود بر امام صادق علیه السلام برایش اجازه بگیرد. هنگامی که ولید، پیام را منتقل می کند، امام صادق علیه السلام اجازه نمی دهد و می گوید که زراره من را در حال پیری بر قدر (تفویض و استطاعت) می خواهد (به این باور مجبور یا معتقدم کند/ با من در این باره بحث کند)، در حالی که قدر از دین من و پدرانم نیست (کشی، ۱۴۰۹: ۱۵۹). این مضمون که استطاعت و قدر از دین و کلام امام صادق علیه السلام و پدرانشان نیست، در روایات دیگری هم آمده است (روایتی از ابوبصیر: صدوق، ۱۳۹۸: ۳۴۴؛ روایتی از عبدالله بن مسکان: عیاشی، ۱۴۲۱: ۴۲۳/۱).

گاه درگیری امام صادق علیه السلام با زراره شدیدتر از این نیز تصویر شده است: در نقل عبدالرحیم قصیر که پیش تر مطرح شد، آمده که امام صادق علیه السلام زراره را به بدعت گذاری [در خصوص استطاعت] متهم کرده بود (کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۸). افزون بر این، در چند طریق از ابوبصیر آمده که امام صادق علیه السلام یکی از مصادیق آمیختن ایمان با ظلم در «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» (انعام/ ۸۲) را آنچه زراره و ابوحنیفه احداث کردند (و بدعتی که

گذاشتند)، دانسته است (کشی، ۱۴۰۹: ۱۴۵-۱۴۶ و ۱۴۹). چنین نقلی از محمد بن مسلم نیز روایت می شده است (عیاشی، ۱۴۲۱: ۱۰۴/۲).

نتیجه

زرارة بن اعین به مرجعیت دینی امام باقر (علیه السلام) باور داشته، معتقد به امامت الهی ایشان بود. او مسائل خود را از ایشان می پرسید و به دنبال احادیث ایشان بوده، به صورت گسترده، فتاوا و دیدگاه های ایشان را روایت می کرد. باین حال، زرارۀ شخصیتی پرسشگر داشته و گاه دلیل حکم را می پرسیده و گاه نیز به بحث ادامه می داده تا جایی که صدایش در مقابل امام باقر (علیه السلام) بالا می رفت و حتی گاهی درنهایت نیز موضع کلامی امام باقر (علیه السلام) را قبول نمی کرد.

زرارۀ همچنین به مرجعیت امام صادق (علیه السلام) باور داشته، معتقد به امامت الهی ایشان بود و حتی گمان می کرد که ایشان امام قائم باشد. مرجع دوم روایات زرارۀ بعد از امام باقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) بود و زرارۀ مسائل خود را در موضوعات مختلف از ایشان می پرسید و حتی در جایی که به قول امام باقر (علیه السلام) دسترسی داشت نیز به قول امام صادق (علیه السلام) استناد می کرد. زرارۀ همچنین گاه دیدگاه های کلامی امام صادق (علیه السلام) را قبول نمی کرد و به ملازمه ای که از قول ایشان می گرفت، ملتزم می شد.

مخالفت اصلی زرارۀ با امام صادق (علیه السلام) در مسئله استطاعت بود. زرارۀ بر آن بود که شخص، نسبت به انجام کاری که انجام نداده نیز مستطیع بوده است، ولی گویا امام

۱. در این نقل، هارون بن خارجه مستقیم از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند؛ اما باید درواقع این روایت از هارون بن خارجه از ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) باشد؛ چه در تحریر دیگر از همین حدیث هارون از ابوبصیر این روایت را نقل می کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۹/۲؛ نیز بنگرید به: عیاشی، ۱۴۲۱: ۱۰۵/۲، ح ۱۴۴۳). این تحریر ظاهراً دچار سانسور شده و داستان زرارۀ از آن حذف گردیده است. احتمالاً این نقل های روایت شده از ابوبصیر هم حاوی نکوهش زرارۀ بوده و سانسور شده اند (عیاشی، ۱۴۲۱: ۱۰۵/۲-۱۰۶، ح ۱۴۴۱ و ۱۴۴۵). این نقل هم ممکن است درواقع از یعقوب بن شعیب از ابوبصیر بوده و دچار سانسور شده باشد (همان، ۱۰۵/۲، ح ۱۴۴۲).

صادق علیه السلام بر آن بود که شخص، تنها نسبت به انجام کاری که انجام داده و ترک کاری که انجام نداده مستطیع بوده است، ولی نسبت به انجام کاری که انجام نداده مستطیع نبوده است. همین مسئله، زمینه اختلافات بسیاری شد تا جایی که برخی از امامیه گمان کردند که باید از اصحاب زراره دوری بجویند؛ اما امام صادق علیه السلام تذکر می داد که اصحاب زراره قولشان باطل است، ولی خودشان شیعه می باشند و اهل دوزخ نیستند.

در مجموع، شاهی به دست نیامد که امام صادق علیه السلام برای حفظ اقتدار خویش، زراره را سرکوب کرده باشد. درحقیقت، اعتبار علمی زراره در میان شیعیان به واسطهٔ احادیثی بوده که از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت می کرد و نمی توانسته با نظریات شخصی خود، اقتدار علمی این دو امام را زیر سؤال برده باشد. بیشتر درگیری ها درخصوص بحث کلامی استطاعت بوده و امام صادق علیه السلام تأکید می کرد که این بحث، منافی با شیعی بودن زراره نیست. زراره هم تا پایان عمر بر امامت امام صادق علیه السلام باقی مانده بود و حتی پس از وفات ایشان در پی شناسایی امام بعدی از نسل ایشان بود. روایات فقهی ای نیز که به عنوان اختلافات زراره با امام صادق علیه السلام مطرح می شود، به این عنوان پذیرفته نیست. در روایاتی هم آمده که بدگویی امام صادق علیه السلام از زراره به دلیل محافظت از زراره نسبت به آزار و قتل او توسط مخالفان بوده است. با توجه به اینکه موالی امام صادق علیه السلام چون معلی بن خنیس و معتب توسط حکومت به قتل رسیدند، این وجه نیز بعید به نظر نمی رسد.

منابع

- قرآن کریم.
- ۱. ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبدالله بن محمد، *المصنّف*، تحقیق سعد الشثری، دار کنوز اشبیلیا، ریاض، ۱۴۳۶ق.
- ۲. ابن سعد، محمد، *کتاب الطبقات الکبیر*، مکتبة الخانجی، قاهره، ۱۴۲۱ق.
- ۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *کتاب الفهرست*، تحقیق ایمن فؤاد سید، مؤسسة الفرقان، لندن، ۱۴۳۵ق.
- ۴. ابوالحسن اشعری، علی بن اسماعیل، *مقالات الإسلامیین*، المکتبة العصرية، ۱۴۲۶ق.
- ۵. *الاختصاص*، منسوب به: محمد بن محمد بن نعمان، کنگرهٔ شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

۶. اهوازی، حسین بن سعید، *الزهد*، المطبعة العلمية، قم، ۱۴۰۲ق.
۷. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، اسلامیه، قم، ۱۳۷۱ق.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق.
۹. زراری، ابوغالب احمد بن محمد، *رسالة أبي غالب الزراري*، مركز البحوث، قم، ۱۳۶۹ش.
۱۰. سلفی، ابوطاهر احمد بن محمد، *الطيوريات*، مكتبة أضواء السلف، ریاض، ۱۴۲۵ق.
۱۱. شوشتری، محمدتقی، *النجعة*، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۶۴ش.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، *التوحيد*، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۹۸ق.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، *علل الشرائع*، داوری، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۴. صدوق، محمد بن علی، *كتاب من لا يحضره الفقيه*، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. صدوق، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳ق.
۱۶. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، *تهذيب الأحكام*، اسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، *فهرست کتب الشیعة وأصولهم*، مكتبة محقق طباطبائی، قم، ۱۴۲۰ق.
۱۹. عقیلی، محمد بن عمرو، *الضعفاء الكبير*، المكتبة العلمية، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسير*، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۲۱ق.
۲۱. فسوی، یعقوب بن سفیان، *المعرفة والتاريخ*، مطبعة الإرشاد، بغداد، ۱۳۹۳ق.
۲۲. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، *الإيضاح*، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۸ق.
۲۳. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، دار المعارف، قاهره، ۱۳۸۳ق.
۲۴. کشی، محمد بن عمر، *رجال کشی*، اختیار: محمد بن حسن طوسی، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافي*، اسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۵ش.
27. Sachedina, Abdulaziz (1984). The significance of al-Kashshi's Rijal in understanding of the early role of the Shi'i Fuqaha'. In R. Savory & D. A. Agius (Eds.), *Logos Islamikos: Studia Islamica in honorem George Michael Wickens* (pp. 183–206). Pontifical Institute of Mediaeval Studies.